

ایلام

درس دهم: محبت از بدی مسرور نمیشود

PATIENT



Street



درس دهم: محبت از بدی مسرور نمیشود

• خوش آمد گویی : ۳ دقیقه

با نوجوانان، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمان یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و یک نکته قابل توجه و جالب در مورد خودشان با سایرین در میان بگذارند.

• گپ و گفت خودمانی: ۱۵ دقیقه

در این بخش به جهت مرور جلسه گذشته، میتوانید چند سوال از قبل طراحی کرده و از تعدادی از نوجوانان بپرسید هدف از این سوال و جوابها این است که نوجوانان متوجه اهمیت دروس شده و با آمادگی در جلسه حاضر شوند و همینطور قبل از شروع مبحث جدید، درس گذشته برای همه مرور شود. در ادامه اگر برکت یا شهادتی از جلسه گذشته وجود دارد که مطرح کردنش در جمع باعث بنا و تشویق میشود را، از نوجوانان بشنوید.

• حدس زدن موضوع تعلیم: ۱۰ دقیقه

نوجوانان را تشویق کنید تا ویدئو زیر را با دقت ببینند و در انتها برداشت و نظرشان را در مورد آن گفته و از این طریق موضوع تعلیم امروز را حدس بزنند.

• [ویدئو](#)

• از یکدیگر می شنویم: ۵-۱۰ دقیقه

سوالات زیر را از نوجوانان پرسیده و سعی کنید که همه نوجوانان در این قسمت مشارکت داشته باشند :

۱. وظیفه ما بعنوان یک مسیحی در مقابل بدی ها و خرابی های دنیای پیرامونمان چیست؟
برای درک بهتر از این سوال خودتان را در موقعیت های زیر تصور کرده و عکس العملتان را بگویید:
 - در مدرسه متوجه میشوید که یک فرد سال بالایی به شخصی کوچکتر از خودش زورگویی میکند.
 - شما با شخصی رو به رو میشوید که در حال آزار رساندن به یک گربه است.
 - با دوست صمیمیتان برای پیک نیک به پارک رفته و با افرادی برخورد میکنید که در حال ریختن زباله در آنجا هستند.
۲. آیا با این جمله که میگوید: (کلاه خود را بچسب تا باد نبرد و فقط این برای موفقیت در زندگی کافیست) موافقت میکنید؟ چرا؟
۳. بنظر شما چه راهکارهایی برای بی تفاوت نبودن وجود دارد؟

• تعلیم: ۱۵-۲۰ دقیقه

امروز میخواهیم در مورد موضوع بی تفاوتی و راهکارهایی برای بی تفاوت نبودن، با شما صحبت کنیم.

برای درک بهتر این مسئله که چرا نباید نسبت به دنیای پیرامونمان بی تفاوت باشیم، داستانهای زیر را با دقت برای نوجوانان تعریف کنید.

پیشنهاد برای مربی :

پیشنهاد میکنیم برای دخیل کردن نوجوانان در روند درک بهتر تعلیم، چند ساعت قبل از شروع جلسه، با تعدادی از نوجوانان هماهنگ کرده تا دو داستان زیر را در نقش راوی و سایر شخصیت ها به صورت تئاتر، برای سایر نوجوانان اجرا کنند.

داستان اول :

بخشید شما خدا هستید ؟

شب کریسمس بود و هوا سرد و برفی.

پسرک، در حالی که پاهای برهنه اش را روی برف جابه جا می کرد تا شاید سرمای برف های کف پیاده رو کم تر آزارش بدهد، صورتش را به شیشه سرد فروشگاه چسبانده بود و به داخل نگاه می کرد.

در نگاهش چیزی موج می زد، انگار که با نگاهش، نداشته هایش را از خدا طلب می کرد، مثل اینکه با چشم هایش آرزو می کرد. خانمی که قصد ورود به فروشگاه را داشت، کمی مکث کرد و نگاهی به پسرک که محو تماشا بود انداخت و بعد رفت و وارد فروشگاه شد. چند دقیقه بعد، در حالی که یک جفت کفش در دستانش بود بیرون آمد.

آهای، آقا پسر!

پسرک برگشت و به سمت خانم رفت. وقتی آن خانم، کفش ها را به او میداد، چشمانش برق می زد. پسرک با خوشحالی و با صدای لرزان پرسید: شما خدا هستید ؟

نه پسر، من تنها یکی از بندگان خدا هستم!

آها، می دانستم که با خدا نسبتی دارید!

داستان دوم:

موش

موشی درخانه صاحب مزرعه تله موشی را دید. به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد؛

همه گفتند: تله موش مشکل توست، به ما ربطی ندارد.

ماری در تله افتاد و زن صاحب مزرعه را گزید و زن در بستر بیماری افتاد.

مرغ را سر بردند و برایش سوپ درست کردند.

گوسفند را سر بردند و برای عیادت کنندگان

غذا درست کردند. اما زن خوب نشد و از بین رفت.

گاو را سر بردند و و در مجلس ترحیم به مردم غذا دادند.

در این مدت، موش از سوراخ دیوار نگاه می کرد و

به مشکلی که به دیگران ربط نداشت، فکر می کرد ...

از نوجوانان بخواهید که :

خود را در جایگاه شخصیت های داستان (خانم در داستان اول و مرغ و سایرین در داستان دوم) بگذارند. از آنها بپرسید که اگر شما در این شرایط قرار می گرفتید اولین قدمی که برمی داشتید چه بود؟

چند تعریف از بی تفاوتی:

بی تفاوت بودن یعنی من اصلاً برایم مهم نیست که چه بر سر دیگران می آید.

بی تفاوت بودن یعنی من مسوولیت هیچ چیز را به عهده نمیگیرم.

بی تفاوتی از نظر کلام خداوند نیز معقوله منفی ای میباشد. در کتاب مکاشفه باب ۳ آیه ۱۵ و ۱۶ شاهد نامه ایی هستیم که به کلیسای لائودیکیه نوشته شده است. در این کلیسا موجی از بی تفاوتی در بین اعضای کلیسا وجود داشت.

اعمال تو را می دانم؛ می دانم که نه سردی و نه گرم. و کاش یا این بودی یا آن. اما چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، چیزی نمانده که تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم. مکاشفه باب ۳ آیه ۱۵ و ۱۶

پس ما به عنوان ایمانداران به کلام خدا باید از بی تفاوتی اجتناب کنیم.

حال می خواهیم از شما دعوت کنیم که سوار قطار محبت شوید.

به قطار محبت خوش آمدید.

این قطار ما را از مبدأ بی تفاوتی به مقصد مسوولیت پذیری میرساند و ما در سه ایستگاه توقف خواهیم داشت.

ایستگاه اول:

بی تفاوت نبودن نسبت به افکارمان

در واقع ما نباید نسبت به چیزهایی که در فکرمان است بی تفاوت باشیم. یعنی اجازه ندهیم، هر فکری که خارج از چهار چوب کلام خداست، وارد ذهن و افکار ما شود.

خدا از ما هم می خواهد که از نظر فکری، حواسمان به خودمان باشد و اجازه ندهیم که افکار مخرب و ناشایست مثل (خودخواهی، فریب و) که همگی ثمرات بی تفاوتی هستند وارد افکار ما بشوند.

از نوجوانان بپرسید که: به نظر شما چه افکار ناشایست دیگری ممکن است وارد ذهن ما شود؟

ایستگاه دوم:

بی تفاوت نبودن در زندگی شخصی

در واقع ما نباید نسبت به عملکردمان در زندگی شخصی خود بی تفاوت باشیم. یعنی نسبت به خانواده مان، نظم اتاقمان، انتخاب فیلم هایی که می بینیم و بازی هایی که انجام می دهیم، انتخاب دوستانمان و باید مسوولیت پذیر باشیم. با دقت کافی مسوولیت تمام ابعاد زندگی شخصی خود را بر عهده بگیریم.

از نوجوانان بپرسید که: چه مثال های دیگری در مورد این قسمت به ذهنشان میرسد؟

ایستگاه سوم:

بی تفاوت نبودن در جامعه

بهترین الگوی مسوولیت پذیری نسبت به دنیای اطراف ما، عیسی مسیح است. همانطور که در رساله اول قرنطیان باب ۱۳ آیه ۶ می خوانیم: محبت از بدی مسرور نمیشود بلکه با حقیقت شادی میکند (محبت بی تفاوت نیست). پس عیسی مسیح که خود محبت است به هیچ عنوان نسبت به جامعه و دنیای اطرافش بی تفاوت نبود و در این قسمت می خواهیم داستانی که در آن عیسی مسیح نسبت به بدی عکس العمل نشان داد را بررسی کنیم.

از چند نفر از نوجوانان بخواهید که یوحنا باب ۲ آیه ۱۳ تا ۱۷ را بخوانند.

سپس در توضیح این آیات اینطور ادامه دهید:

یکی از مهم ترین قدم هایی که عیسی مسیح بعد از ورود به اورشلیم برداشت، پاک سازی معبد بود. در واقع عیسی نسبت به جامعه خود بی تفاوت نبود و تمامی صرافان و فروشندگانی که معبد را بی حرمت و ناپاک کرده بودند (چون معبد جایگاه پرستش خدا بود) را از آنجا بیرون انداخت.

جمع بندی

عیسی میدانست که شکل معبد تبدیل خواهد شد (از یک مکان سنگی به قلبهای گوشتین) و مفهوم معبد چیزی فراتر از این خواهد بود پس وارد عمل شد و بی تفاوت نبود. ما امروز به عنوان معبد یعنی جایگاه حضور خدا، نیاز هست یاد بگیریم که چطور وارد عمل شویم و قلب و ذهنمان را از افکار و رفتار ناشایست و بی تفاوتی ها پاک کنیم. بنابراین باید هرروز با خداوند همکاری کنیم تا به واسطه هدایت روح القدس در مقابل این افکار و رفتار ناشایست ایستاده و بی تفاوت از آنها عبور نکنیم .

آنوقت است که می توانیم در مقابل ظلم و بی عدالتی نسبت به اطرافیان و طبیعت و حیوانات بایستیم و بی تفاوت نباشیم. در واقع ابتدا باید از ایستگاه اول (بی تفاوت نبودن نسبت به افکار) و ایستگاه دوم (بی تفاوت نبودن نسبت به زندگی شخصی) عبور کنیم تا بتوانیم به ایستگاه سوم (بی تفاوت نبودن نسبت به جامعه) رسیده و با عبور از آن به مقصد مسئولیت پذیری برسیم.

گفتگو

۱. آیا در زندگی شما شرایطی وجود داشته است که نسبت به آن بی تفاوت بوده اید ولی با گذشت زمان نسبت به این بی تفاوتی احساس شرمندگی کرده باشید؟ کمی توضیح دهید.
۲. یا برعکس موقعیتی را توضیح دهید که در آن وضعیت باید عکس العمل مناسبی از خود نشان میدادید، این کار را کرده و در نهایت از عمل خود، احساس رضایت داشته اید.

نتیجه گیری

با درک درست از محبت حقیقی خدا در الگوی عیسی مسیح بیاموزیم و تمرین کنیم که چطور نسبت به فرمان، زندگی شخصی و دنیای پیرامونمان مسئولیت پذیر بوده و با بی عدالتی و گناه سازش نکنیم.

• آیه برای حفظ کردن : ۲ دقیقه

هر یک از نوجوانان آیه را از روی کتاب مقدس قرائت کنند و نوجوانان دیگر با چشمهای بسته به آن آیه گوش دهند و به نوبت آن را بخوانند.

«محبت از بدی مسرور نمی شود، اما با حقیقت شادی می کند»

۱ قرن تیان ۱۳ : ۶

• دعا و پرستش : ۸ تا ۱۰ دقیقه

• [برخیز وقت پرستش اوست](#)

• [در قصرهای او داخل شو](#)

• بازی: ۱۰ - ۱۵ دقیقه

این سوالات رو حتما یاد بگیرید چون اول موجب انحراف ذهن میشود بعد کشف جواب.

(۱) یک فروند هواپیما در مرز آمریکا و کانادا سقوط می‌کند. بازماندگان از سقوط را در کجا دفن می‌کنند؟

کانادا - آمریکا - هیچ‌کدام

(۲) یک خروس در بام خانه‌ای که شیب دوطرفه دارد، تخم می‌گذارد. این تخم از کدام طرف می‌افتد؟

شمال - جنوب - هیچ‌کدام

(۳) خانمی عاشق رنگ قرمز است و تمام وسایل او به رنگ قرمز است. او در آپارتمانی یک طبقه که قرمز رنگ است، زندگی می‌کند.

صندلی و میز او قرمز رنگ است. تمام دیوارها و سقف آپارتمان قرمز رنگ هستند. کفپوش آپارتمان و فرش‌ها نیز قرمز رنگ هستند.

تلویزیون هم قرمز رنگ است. سریع پاسخ دهید که پله‌های آپارتمان چه رنگی هستند؟

قرمز - آبی - هیچ‌کدام

پاسخ برای نسخه مریبان

(۱) هیچ‌کدام. بازماندگان که زنده هستند نیازی به دفن کردن ندارند.

(۲) هیچ‌کدام. خروس که تخم نمی‌گذارد!

(۳) هیچ‌کدام. آپارتمان یک طبقه که راه پله ندارد!

• قدم عملی: ۱۰ دقیقه

از نوجوانان بخواهید که تا هفته آینده قدم عملی زیر را انجام دهند:

۱. طی هفته آینده چند شخصیت از کتاب مقدس را که نسبت به دنیای پیرامون و اطرافیان خود بی تفاوت نبودند را بیابید.

۲. در طی هفته آینده سه قدم عملی در راستای هر سه ایستگاه قطار محبت که آموختید بردارید و در هفته آینده تجربیات خود را در این راستا با دوستانتان در میان بگذارید.